

ریفای (Refi) چیست؟



در دنیای امروز تغییرات اقلیمی، آلودگی، فقر و نابرابری از جمله چالش‌های زیست محیطی و اجتماعی است که بشر با آن مواجه شده و حل چنین چالش‌هایی نیازمند تغییرات اساسی در رویکردهای اقتصادی و مالی خواهد بود. در سیستم اقتصادی فعلی، رشد اقتصادی معنایی جز استفاده بیشتر از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست نخواهد داشت که ذات چنین سیستمی فقرزا است. مسئله یاد شده در دنیای کریپتوکارنسی نیز اهمیت داشته و در عمل فرآیند انرژی‌بر استخراج و ماین ارزهای دیجیتالی به شهرت شبکه‌های بلاک چینی لطمه وارد کرده است. با توجه به چنین مشکلاتی، حوزه جدیدی از امور مالی به نام امور مالی احیا کننده یا همان **ریفای (Refi)** شکل گرفته که کسب سود و میزان بازدهی هدف نهایی آن نبوده و به دنبال بازسازی سیستم امور مالی دچار اختلال شده است؛ این در حالی بوده که در امور مالی سنتی و به طور کلی بستر سرمایه‌گذاری ESG با چنین مفاهیمی روبه‌رو نیستیم. ریفای به کمک فناوری **بلاک‌چین** و وب 3 بر سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عادلانه و پایدار متمرکز بوده و به همین علت کنجکاوی‌های بسیار زیادی در ارتباط با آن در ذهن کاربران ایجاد شده است. با این مقاله از **بلاگ کیف پول من** همراه باشید تا با مفهوم ریفای بیشتر آشنا شوید.

اصطلاح ریفای (ReFi) چیست و چه معنایی دارد؟

ریفای (ReFi) یا امور مالی احیا کننده (Regenerative Economy) در اصل رویکرد جدید و امیدوار کننده‌ای در امور مالی است که به حل چالش‌های اجتماعی و زیست محیطی کمک کرده و نقشی کلیدی در ایجاد آینده عادلانه‌تر و پایدارتر ایفا می‌نماید. از ریفای به منظور توصیف نحوه تامین بودجه در حوزه توسعه پروژه‌های متن باز استفاده می‌شود و در بستر آن، چرخه پولی جایگزین انباشت آن می‌شود. در ریفای به جای انباشت سرمایه، بر روی چرخش آن تمرکز شده است. به بیان ساده‌تر، در ریفای همه چیز حول مکانیسم‌های جدید برای تامین مالی پروژه‌ها می‌چرخد. ریفای همان مفهومی است که مارکت ارز دیجیتال با هدف بازبینی تاثیرات زیست محیطی دست به دامن آن شده؛ چراکه میزان مصرف انرژی در صنعت ارزهای رمزیابیه بسیار بالا بوده و پیش‌بینی می‌شود که این نرخ به صورت تصاعدی افزایش پیدا کند.

در سیستم ریفای برخلاف آنچه که در مدل اقتصادی خطی رواج دارد (که بر استخراج، مصرف و اتلاف متکی هستند)، عملکرد خود را به شیوه دورانی و کل نگر تغییر داده است. هدف اصلی که در پشت پرده ریفای قرار دارد چیزی جز این ایده که امور مالی باید به گونه‌ای عمل نماید که سلامت و رفاه کره زمین و مردم ساکن در آن را تامین نماید، نیست. طبیعتاً چنین هدفی صرفاً از طریق سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌هایی که دارای نتایج زیست محیطی و اجتماعی مثبتی هستند، به واقعیت می‌پیوندد. سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌های انرژی پاک، پروژه‌هایی که بر نفع عمومی تمرکز دارند، پروژه‌های تعدیل کننده ردپای کربن مبتنی بر شبکه بلاک‌چین، طرح‌های جنگل‌کاری و کشاورزی مثال‌های خوبی برای چنین امری به شمار می‌روند.

به طور خلاصه، ریفای با کمک فناوری بلاک چین و [وب3](#) توجه ویژه‌ای به ساخت ارزشی مشترک در زمینه سودآوری توام با پایداری و پیشرفت پروژه‌ها با در نظر گرفتن چالش‌های اجتماعی و زیست محیطی داشته و تمرکززدایی بودجه و ساخت مکانیسم‌های جدید مالی برای تامین بودجه مورد نیاز پروژه‌ها از اهداف اصلی ریفای به شمار می‌روند.

ارتباط ریفای با دنیای کریپتوکارنسی



ارتباط ریفای با دنیای کریپتوکارنسی



همان طور که در مطالب فوق مشاهده کردید، منظور از ریفای یافتن فرصت سرمایه‌گذاری تاثیرگذار و همچنین تخصیص بودجه به طرح‌هایی است که از احیای محیط زیست و رفاه جامعه حمایت می‌کنند و تمرکز آن‌ها بر اصول اقتصاد چرخشی و توانمندسازی جامعه بنا می‌شود. حال که با مفهوم ریفای و امور مالی احیا کننده بیشتر آشنا شدید، نوبت به طرح این سوال می‌رسد که چه ارتباطی میان ریفای و دنیای ارزهای دیجیتال وجود دارد؟ در پاسخ به این سوال باید بگوئیم که ریفای و رمزارزها ارتباط نزدیکی با هم دارند. در واقع ارزهای رمزپایه که بر مبنای فناوری بلاکچین و وب 3 عمل می‌کنند، بستری را فراهم نموده‌اند تا کاربران انتقال ارزش و دارایی را بدون نیاز به دخالت واسطه‌ها تجربه نمایند و مزایایی همچون شفافیت، سرعت بالای انتقال و هزینه کم استفاده از رمزارزها را در مرکز توجه جوامع بشری قرار داده است. با این وجود این فناوری نوظهور با مشکلات و چالش‌های زیست محیطی بسیار جدی روبه‌روست که برای حل آن‌ها دست به دامن ریفای شده است.

برخی از راهکارهای ریفای که می‌توان با کمک آن‌ها دنیای کریپتوکارنسی را با محیط زیست آشتی داد به شرح زیر هستند:

- حمایت از شرکت‌ها و پروژه‌هایی که در زمینه انرژی پاک و محیط زیست فعالیت دارند.
- توسعه پلتفرم‌ها و پروتکل‌هایی که به کاهش ردپای کربن در بلاکچین‌ها کمک می‌کنند.

- استفاده از الگوریتم‌های اجماع به صرفه نظیر **اثبات سهام (Proof of Stake)** و اثبات خدمات (Proof of Service) که نیازمند انرژی کمتری هستند.

یکی از مسیرهای تاثیرگذاری ریفای بر فضای کریپتوکارنسی از امور مالی غیرمتمرکز یا همان **دیفای (DeFi)** می‌گذرد که تلاش می‌کند زیرساخت‌های متمرکز و غیرشفاف را حذف نموده و دسترسی برابر و بدون تبعیض به خدمات مالی را فراهم نماید که چنین امری برای ریفای بسیار مهم بوده و مزایای زیادی برای آن در پی داشته است. برخی از این مزایای مهم به شرح زیر هستند:

- حاکمیت غیرمتمرکز سبب می‌شود همه کاربران امکان تصمیم‌گیری در ارتباط با تخصیص بودجه به پروژه‌های ریفای را داشته باشند.
- استفاده از قراردادهای هوشمند به دلیل حذف واسطه‌ها و کاهش کارمزدها موجب بهتر دیده شدن پروژه‌های ریفای می‌گردد.
- استخراج و استیک نقدینگی کمک شایانی برای پروژه‌های ریفای محسوب می‌شود و کاربران در ازای انجام چنین کاری، پاداش خوبی دریافت می‌کنند.
- با توجه به سطح شفافیت بسیار بالای دیفای، امکان اندازه‌گیری تاثیرات پروژه‌ها امکان‌پذیر شده و به دلیل عدم امکان دستکاری اطلاعات در شبکه‌های بلاک‌چین، می‌توان میزان صحت آن‌ها را اندازه‌گیری نمود که چنین امری مطمئناً منجر به افزایش اعتماد نسبت به اکوسیستم ریفای خواهد شد.

مطلب پیشنهادی: **استخر استیکینگ (Staking poll)**

بررسی مثالی از ریفای در مارکت ارز دیجیتال

برای آن که به درک روشنی از ارتباطات موجود میان ریفای و دنیای کریپتو دست پیدا کنید، باید یک مثال عملی را در این ارتباط مورد بررسی قرار دهیم. بهترین مثال در این زمینه به استفاده ریفای از اوراق قرضه سبز غیرمتمرکز (Decentralized Green Bonds) مربوط می‌شود. منظور از اوراق قرضه سبز غیرمتمرکز، محصولات مالی هستند که پایبندی ویژه‌ای به اصول سیستم‌های مالی احیا کننده (ReFi) داشته و بر روی شبکه‌های بلاک چینی صادر می‌گردند. سرمایه‌گذاران فارغ از موقعیت مکانی خود از سرتاسر جهان قادرند به طور کاملاً مستقیم به وسیله یک پلتفرم غیرمتمرکز در فروش این اوراق مشارکت فعالی داشته باشند. شرایط این اوراق به وسیله **قرارداد هوشمند (Smart Contract)** ایجاد و مدیریت می‌گردد که این شرایط می‌تواند شامل مواردی همچون زمان بندی توزیع، تاریخ سررسید و نرخ بهره باشد.

اوراق قرضه سبز با استفاده از فناوری شبکه بلاک چین توکنیزه شده و هر توکن مقدار معینی از

ارزش اوراق قرضه را نمایندگی می‌کند. به بیان ساده‌تر، هر توکن اوراق قرضه که به وسیله یک شرکت فعال در عرصه انرژی خورشیدی صادر می‌شود، نماینده قسمتی از کل سرمایه‌گذاری بر روی آن شرکت است و سرمایه‌گذاران در ازای سرمایه‌گذاری بر روی پروژه خورشیدی، این توکن اوراق قرضه را دریافت می‌کنند. عرضه اوراق قرضه سبز غیرمتمرکز، وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌های پایدار و حامی محیط زیست و اقتصاد چرخشی را فراهم می‌کند. ناگفته نماند که ذی‌نفعان یک پروژه اوراق قرضه سبز (از جمله سرمایه‌گذاران آن) می‌توانند از طریق یک سازمان خودگردان غیرمتمرکز (DAO) در تصمیم‌گیری‌ها نیز مشارکت نمایند. ممکن است یک دائوی اوراق قرضه سبز ایجاد گردد که این امکان را برای هولدرهای توکن فراهم می‌آورد تا پروژه‌های سبز جدیدی را برای انتشار اوراق قرضه در آینده پیشنهاد نمایند و سپس از طریق رای‌گیری در ارتباط با آن تصمیم‌گیری نمایند.

از نمونه های پروژه های ریفای در حوزه وب 3 و بلاک چین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ریگن نتورک (Regen Network): این پروژه در اصل یک شبکه بلاک چین بهره‌گیرنده از الگوریتم اثبات سهام است که تغییرات زیست محیطی را ردیابی کرده و بستری برای انجام معاملات اعتبار کربن را فراهم می‌سازد.
- گیت کوین (Gitcoin): نوعی پلتفرم تامین سرمایه جمعی است که به منظور حمایت از پروژه‌های متمرکز بر روی نفع عمومی طراحی و ساخته شده است.
- کلیما دائو (KlimaDAO): مصداقی از سازمان خودگردان غیرمتمرکز در حوزه تغییرات آب و هوایی است و روی آفست کربن تمرکز دارد.
- چلو (Celo): یک شبکه بلاک چینی لایه یک است که بر روی جنگل‌کاری و کشاورزی احیا کننده تمرکز دارد.
- نوری (Nori): نوری نوعی بازار تعدیل کننده کربن داوطلبانه است که روی پالیگان (Polygon) قرار دارد.

مقایسه مفهوم ریفای و دیفای



در مطالب فوق به طور گذرا به این نکته اشاره شد که یکی از مسیرهای تاثیرگذاری ریفای بر مارکت ارز دیجیتال از حوزه دیفای و **امور مالی غیرمتمرکز (Decentralized Finance)** می‌گذرد؛ اما آیا این بدین معناست که تفاوتی میان ریفای و دیفای وجود ندارد؟ در پاسخ به این سوال باید بگوئیم که ریفای و دیفای هر دو شاخه‌های جدیدی از امور مالی هستند که در پاسخ به ضعف‌های موجود در امور مالی سنتی شکل گرفته‌اند؛ اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که امور مالی احیا کننده (ReFi) و همچنین امور مالی غیرمتمرکز (DeFi) دو حوزه کاملا مجزا با اهداف مستقلی هستند.

هدفی که در دیفای دنبال می‌شود، چیزی جز ساخت یک اکوسیستم اقتصادی غیرمتمرکز و حذف واسطه‌ها نبوده و تلاش می‌شود کلیه کاربران در سطح برابر به آن دسترسی داشته باشند؛ حال آن که ریفای بر روی حمایت از فعالیت‌های مالی که دارای اثرات زیست محیطی و اجتماعی مثبتی هستند، تمرکز نموده است. ناگفته نماند که ریفای برخلاف آنچه که در دیفای وجود دارد صرفا به حوزه کریپتوکارنسی منحصر نبوده و در خارج از شبکه‌های بلاک چینی در قالب‌هایی همچون سرمایه‌گذاری تاثیرگذار (Impact Investment) و اوراق قرضه سبز (Green Bonds) ظهور پیدا کرده است. البته ناگفته نماند که فعالیت‌های ریفای خارج از اکوسیستم شبکه بلاک چین عموما از سوی نهادهای خصوصی انجام شده و طبیعتا نتایج کار آن‌ها از قابلیت صحت سنجی برخوردار نیست و دقیقا در همین نقطه است که ریفای و دیفای همپوشانی پیدا می‌کنند.

ویژگی های ریفای (ReFi)

در بررسی ریفای نیز همچون هر ماهیت دیگری، بررسی ویژگی‌های آن در دستیابی به تصویر ذهنی صحیح از آن به کاربران کمک می‌کند و به همین علت در ادامه به بررسی ویژگی‌ها و مزایای مهم ریفای می‌پردازیم:

- ریفای عموماً توجه ویژه‌ای روی کارهایی که بر امنیت کیف پول‌های رمزآزری می‌افزاید داشته و تلاش می‌کند وجوه کاربران در بستری کاملاً ایمن و مطمئن نگهداری شوند. ثروت اصلی ریفای در این نکته خلاصه نشده و در فرهنگ Finance Regen است و منظور از آن همان فرهنگی است که با غلبه بر بدبینی و ایجاد اعتماد متقابل رشد می‌کند.
- امور مالی احیا کننده و ریفای تکنوکراتیک نیستند و روند دموکراتیکی را در پیش گرفته‌اند و از سیستم همتا به همتا (P2P) به منظور تامین مالی پروژه‌ها کمک گرفته می‌شود که در آن باید جامعه تصمیم بگیرد که چه چیزی شایسته تامین مالی است. جالب است بدانید که در آخرین دوره از کمک هزینه‌های گیت کوین حدوداً بیش از 5 هزار کاربر مشارکت داشته‌اند.
- امور مالی احیا کننده بر روی چرخش سرمایه به جای انباشت آن تمرکز کرده‌اند و به همین علت دارای رشد سالم‌تری هستند که در کنار تامین سودهای مالی، اهدافی همچون بازسازی منابع، رفاه اجتماعی و شکوفایی اقتصادی را نیز دنبال می‌کنند و با استفاده از فناوری بلاک چینی، مفاهیمی همچون شفافیت در حسابرسی را نیز احیا می‌کنند و در نهایت با حمایت از پروژه‌های مثبت تلاش می‌کنند تا اثرات خود بر سلامت زندگی در کره زمین را به حداکثر برسانند.

امور مالی احیا کننده؛ طرحی برای آینده‌ای پایدارتر

با توجه به مطالب گفته شده در این مقاله از بلاگ کیف پول من، روشن شد که پروژه‌های ریفای به دنبال اهدافی همچون ایجاد تغییر و تحول در سیستم‌هایی شکل گرفته‌اند که دارای اختلال هستند و در آن‌ها دستیابی به بازدهی و سود را نمی‌توان به عنوان تنها هدف نهایی قلمداد نمود، بلکه در کنار چنین مفاهیمی توجه ویژه‌ای به تاثیرات مثبت زیست محیطی و اجتماعی داشته و تلاش می‌کنند تا کلیه جوامع را در کنار همدیگر برای حرکت به جلو آماده نمایند، امری که در امور مالی سنتی چندان مورد توجه نبوده است. در ریفای به جای نابودی و مصرف بی‌رویه انرژی و منابع سعی شده از چرخه‌های طبیعت تقلید شود.

به طور کلی سیستم‌های مالی احیا کننده از این استعداد و پتانسیل برخوردار هستند که دنیای کریپتوکارنسی را به یک صنعت پایدار تبدیل نمایند و در عمل قدم گذاشتن در مسیر اقتصاد کم‌کربن و احیا کننده را سرعت بخشد. حال با چنین توضیحاتی به نظر شما سیستم مالی احیا کننده و ریفای قادر خواهد بود چالش‌های موجود در پیش روی شبکه‌های بلاک چینی را به نحو احسن برطرف نماید؟